

Carrying Burdens

(Preached by Cheryl Williams at FBC on July 6th 2025 – Galatians 6:10 & 2 Kings 5:1-14)

Farsi: Carrying Burdens

(Preached by Cheryl Williams at FBC on July 6th 2025 – Galatians 6:10 & 2 Kings 5:1-14)

حمل بارها

در 6 ژوئیه 2025 - غلاطیان 6:10 و دوم پادشاهان FBC (موعظه شده توسط شريل ویلیامز در 14-5:1)

نمی‌دانم کسی از شما نام برادر لارنس را شنیده است یا نه. نوشته‌های او در کتاب کوچکی به نام "تمرین حضور خدا" گردآوری شده است. او در سال 1611 در فرانسه متولد شد و پس از مجروح شدن در ارتش، در پاریس به عنوان پیشخدمت مشغول به کار شد - درها را باز می‌کرد و برای مسافران میز می‌گذاشت. او کمی دست و پا چلفتی بود و اغلب چیزها را می‌شکست، که بدون شک باری بود که باید حمل می‌کرد. در حدود چهل سالگی، او به عنوان یک برادر غیر روحانی در صومعه کارملیت "پابره‌نه" مشغول به کار شد. در آنجا در آشپزخانه کار می‌کرد و در اواخر دوران خود صندل تعمیر می‌کرد.

او برداشت جالبی از بارهایی که حمل می‌کرد و وظایفی که هر روز باید انجام می‌داد، داشت. به نظر می‌رسید که عشق خود به خدا را با وظایف عادی که هر روز باید انجام می‌داد، ترکیب می‌کرد. در اینجا چند نقل قول از او آورده شده است.

... «ما می‌توانیم کارهای کوچکی برای خدا انجام دهیم؛ من کیکی را که در ماهیتابه سرخ می‌شود به عشق او برمی‌گردانم، و اگر هیچ چیز دیگری برای نامیدن من وجود نداشته باشد، در برابر او که به من لطف کرده تا کار کنم، سجده می‌کنم؛ پس از آن شادتر از یک پادشاه برمی‌خیزم.»
«ما نباید از انجام کارهای کوچک به عشق خدا خسته شویم، خدایی که نه به عظمت کار، بلکه به عشقی که با آن انجام می‌شود، توجه می‌کند.»

بردگانی که امروزه در داستان خود از کتاب مقدس عبری با آنها روبرو می‌شویم، زندگی مشابهی با برادر لارنس داشته‌اند. رسیدگی به کارهای روزمره و عادی یک خانه - آشپزی، نظافت، پذیرایی از دیگران. همه بار دیگران را به دوش می‌کشند.

نعمان، جنگجوی قدرتمند داستان، واقعاً بار سنگینی بر دوش داشت. او به جذام مبتلا شده بود که می‌توانست بار جسمی قابل توجهی باشد. و همانطور که در ادامه داستان می‌بینیم، بار دیگری که او بر دوش می‌کشد از نوع اجتماعی/روانی است - غرور و بار ثروت و اعتبار زیاد.

هر کس در خانه‌اش بار خود را به دوش می‌کشد. همه آنها از این موضوع ناراحت هستند و به دنبال راه‌هایی برای کمک به او می‌گردند. حتی دختر برده جوان نیز در تلاش است تا راهی برای کمک به او پیدا کند تا بار او را سبک کند.

این دختر جوان یک خدمتکار است، او در جنگی که ارتش نعمان در آن پیروز شد، اسیر شده است، بنابراین از خانواده‌اش دور است و تمام وحشت‌های جنگ را تحمل کرده است، بدون شک بار سختی بوده است. با این حال، او همه اینها را کنار گذاشته تا هر کاری از دستش برمی‌آید برای خانه‌ای که اکنون در آن است انجام دهد.

چیزی که در این داستان برای من جالب است، روشی است که افراد «کوچک» و بی‌اهمیت به نعمان کمک می‌کنند تا بار خود را حمل کند. بار نعمان با روشی که این افراد «کوچک» به او کمک می‌کنند تا بار خود را حمل کند تا زمانی که از آن خلاص شود، برداشته می‌شود.

کنیز شجاعانه و دلسوزانه به همسر نعمان پیشنهادی برای رهایی نعمان از بار مسئولیتش می‌دهد، اما این به معنای رفتن به نزد «دشمن» برای درخواست کمک است.

Carrying Burdens

(Preached by Cheryl Williams at FBC on July 6th 2025 – Galatians 6:10 & 2 Kings 5:1-14)

نعمان پس از تمام تلاشی که برای خلاص شدن از جذام خود کرده بود، به محض اینکه متوجه می‌شود این پیشنهاد ممکن است مفید باشد، به کشور دشمن سفر می‌کند و مستقیماً با هدایای زیادی برای پرداخت هزینه شفایش نزد پادشاه می‌رود. پادشاه فکر می‌کند که این نوعی کمین است و مطمئن نیست چه باید بکند. سرانجام الیشع از این موضوع مطلع می‌شود و به پادشاه می‌گوید که نعمان را نزد او بفرستند. نعمان که انتظار یک جشن و سرور بزرگ را داشت، در عوض توسط برده الیشع با پیامی در مورد هفت بار غوطه‌ور شدن در رودخانه گل‌آلود اردن مورد استقبال قرار می‌گیرد. مرد مغرور و عصبانی آماده رفتن می‌شود.

در این مرحله، غلامان خودش او را به فکر فرو می‌برند. به او یادآوری می‌کنند که اگر از او خواسته می‌شد کار بزرگی برای درمان انجام دهد، او این کار را می‌کرد، پس چرا این کار ساده را انجام نمی‌داد. البته او منطقی می‌بیند، همانطور که غلام الیشع به او گفته بود عمل می‌کند، درمان می‌شود و به خدا ایمان می‌آورد.

یک کنیز اسیر، غلام یک پیامبر و غلامان یک جنگجوی بزرگ با هم بار نعمان را به اشتراک می‌گذارند و با اعمال ساده، شجاعانه و فروتنانه خود، او شفا می‌یابد.

پولس از مردم غلاطیه و ما می‌خواهد که غرور و خودکفایی را کنار بگذاریم و در عوض از هر فرصتی برای کار برای خیر همه استفاده کنیم.

ما فراخوانده شده‌ایم که بار دیگران و بردگان داستان خود را به دوش بکشیم و برادر لارنس به ما نشان می‌دهد که چگونه.

سهیم شدن در بار دیگران لزوماً کار بزرگی نیست، فرصتی برای نمایش بزرگ نیست، بلکه کاری است که می‌توانیم بی‌سروصدا، فروتنانه و ساده انجام دهیم.

شاید درست کردن سوپ برای کسی که حالش خوب نیست. دعا کردن برای کسی که احساس ناراحتی می‌کند. گذاشتن مقداری ماکارونی یا برنج در انباری. گوش دادن به کسی که مشکل دارد. آشپزی، شستن ظرف‌ها یا انجام برخی تعمیرات مانند برادر لارنس. بافتن دستکش یا کلاه بافتنی برای گرم نگه داشتن کسی. کمک مالی کوچک به یک موسسه خیریه. پذیرایی چای یا قهوه برای دیگری. اعتراض به نوعی بی‌عدالتی. به دوش کشیدن بار دیگری، بار را در همه جا سبک‌تر می‌کند. ممکن است شجاعت یا خرد لازم باشد؛ همیشه عملی از روی دلسوزی خواهد بود. همیشه یک عمل چشمگیر نخواهد بود، اغلب فقط یک حرکت ساده خواهد بود. این اعمال کوچک دنیا را تغییر خواهند داد. این اعمال کوچک، عشق خدا را به دیگران آشکار خواهند کرد.

در میلیون‌ها عمل کوچک دلسوزانه مردم عادی در سراسر جهان است که بارها تقسیم می‌شوند، عشق خدا آشکار می‌شود و عدالت و صلح فرا خواهد رسید.

بیاید مسائل را بیش از حد پیچیده نکنیم. باشد که مانند برادر لارنس ببینیم که چگونه می‌توانیم در چیزهای کوچک، در کارهای روزمره عادی، در کارهای پیش پا افتاده به خدا خدمت کنیم و با انجام این کار، بارهای دیگران را به اشتراک بگذاریم. آمین.